



تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱
--------------------------	-------------------------

بررسی صلح و حقوق بشر در منظومه فقهی امام خمینی (ره)

دکتر سید محمد ساداتی نژاد^۱

چکیده:

صلح و حقوق بشر دو مفهوم بسیار مهم و اساسی در روابط بین‌الملل امروز هستند که بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها و راهبردها در روابط بین‌الملل متأثر از آنها می‌باشد. امروزه سازمان‌های بین‌المللی و کشورها در روابط دوجانبه و چند جانبه به دنبال ارتقاء صلح و حمایت از حقوق بشر هستند. در چنین فضایی، نگاه دولت اسلامی به این دو مقوله جهت تدوین سیاست‌های و برنامه‌های در سطح سیاست خارجی و بین‌المللی مهم است. بر همین اساس، در این مقاله به بررسی نگاه فقهی امام خمینی به عنوان معمار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به صلح و حقوق بشر پرداخته شد و نظریه فقهی امام خمینی در زمینه صلح و حقوق بشر و عناصر و محورهای مشترک این دو مفهوم استخراج گردید. در این مقاله، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی امام خمینی در ارتباط با مفهوم صلح و مفهوم حقوق بشر نیز که منطبق با آموزه‌های قرآنی و اسلامی است، تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: صلح، حقوق بشر، روابط بین‌الملل، فقه، امام خمینی

^۱ پژوهشگر و مدیر عامل جمعیت ندای صلح



مقدمه

فضای مورد بحث در این مقاله، فقه روابط بین‌الملل و نه علم روابط بین‌الملل می‌باشد. نویسنده اعتقاد دارد، در چارچوب اسلامی، پیش از هرگونه نظریه‌پردازی در قالب علم روابط بین‌الملل، ابتدا نیاز است تا در قالب فقه روابط بین‌الملل نظریه‌پردازی گردد. نظریات فقهی در حوزه روابط بین‌الملل، زمینه را برای نظریه‌پردازی یک نظریه‌پرداز مسلمان در قالب علم روابط بین‌الملل با توجه به چارچوب‌ها و تعهدات اسلامی فراهم می‌نماید. به همین منظور در این مقاله، به بررسی مفهوم صلح و حقوق‌بشر از منظر آراء یک فقیه (امام خمینی رحمه الله علیه) پرداخته می‌شود.

مفهوم صلح و مفهوم حقوق‌بشر، از مفاهیم کلیدی و پایه‌ای در روابط بین‌الملل هستند و امروز حقوق‌بشر و صلح، دو سنگ بنای اصلی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. امروزه نشست یا مذاکرات بین‌المللی نیست که در آن در مورد صلح و ثبات در نظام بین‌الملل یا درباره حقوق‌بشر و لزوم حمایت و ارتقاء آن سخن به میان نیاید. در منشور سازمان ملل متحد نیز که پایه و اساس تاسیس این سازمان بود، این مفاهیم متجلی و متبلور است. در منشور سازمان ملل، ۱۰ بار کلمه حقوق‌بشر و ۴۳ بار کلمه صلح بکار رفته است.

در ارتباط با نسبت صلح و حقوق‌بشر، باید گفت صلح نیز بخشی از حقوق‌بشر است و حق صلح و زندگی در صلح و آرامش به عنوان یک حق بشری شناخته می‌شود. بدین ترتیب باید صلح را نیز بخشی از حقوق‌بشر در نظر گرفت. در عین حال، رابطه این مفهوم با حقوق‌بشر چنان است که بهره‌مندی از حقوق‌بشر نیز وابسته به صلح است و اگر صلح و آرامش برقرار نباشد، امکان بهره‌مندی از حقوق بشر وجود ندارد. بنابراین نسبت صلح و حقوق بشر بصورت رابطه متقابل و مکمل است. حق



صلح، از جهتی جزئی از حقوق بشر است و از جهتی نیز بهره‌مندی از حقوق بشر فقط در سایه آن ممکن است. حقوق بشر نیز از جهتی عام‌تر از حق صلح است و از جهتی بهره‌مندی از آن وابسته به برقراری صلح است.

به همین دلیل و با توجه به اهمیت این دو واژه، در این مقاله به بررسی نگاه فقهی به دو مقوله صلح و حقوق بشر پرداخته شده است. تبیین هر چه بیشتر نگاه فقهی، ما را در زمینه ارزیابی نظریات موجود روابط بین‌المللی در باب صلح و حقوق بشر و تدوین نظریه‌ای علمی که سازگار و متناسب با نظریه فقهی در این حوزه باشد، کمک خواهد کرد.

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی

نگاه امروز به مقوله حقوق بشر و صلح را می‌توان در دو دسته نگاه دنیائی و نگاه الهی دسته‌بندی کرد. به عنوان مثال در مقوله صلح، در نگرش مادی، صلح به معنای نبود جنگ و توقف جنگ بوده و با عدالت چندان مناسبتی ندارد. در نگرش توحیدی بر خلاف نگرش مادی، صلح بدون عدالت معنا نمی‌دهد. این نگرش در مقابل طیفی از دیدگاه‌های مادی و تحریف شده الهی قرار می‌گیرد. (پرتال ۱۳۹۶)

اسلام و کارشناسان دینی و فقها، ضمن برجسته کردن این تفاوت دیدگاه، بر همین مبنا، رویکرد و نگاه به مسائل مختلف بویژه دو مقوله مهم صلح و حقوق بشر را تبیین کرده‌اند. به عنوان نمونه امام خمینی همواره بر عدم وجود عنصر بنیادین عدالت در مبانی اندیشه‌ای غرب و اردوگاه سلطه‌گران انتقاد داشته است. از دیدگاه ایشان مبانی فکری و اندیشه‌ای در اردوگاه سلطه‌گران در قالب مارکسیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم است که یا اعتقادی به عدالت ندارند و یا اگر هم مثل مارکسیسم داعیه طرفداری از عدالت دارند معنای عدالت را به درستی نفهمیده و به



شکل غیرمستقیمی به دنبال همان سیاستهای سرمایه‌داری بودند. (پرتال ۱۳۹۶)

نگاه اسلامی، فلسفی و فقهی به انسان در مقولات مختلف و بویژه در بحث صلح و حقوق بشر مبتنی بر نگاه الهی است و گرچه مشترکاتی با نگاه فلسفی و حقوقی لیبرال دموکراسی در مقوله صلح و حقوق بشر دارد اما بدون شک نکات افتراق جدی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، امام خمینی می‌فرماید کریم بودن انسان واقعیتی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن؛ چرا که همه این‌ها مظاهر کرامت خداوندند (بداشتی ۱۳۹۸ به نقل از صحیفه ۱۳۷۸) از نگاه جهان بینی اسلامی چنین نیست که یک سلسله عوامل طبیعی به طور تصادفی موجب پیدایش موجودی متکامل‌تر از انواع پیشین خود به نام انسان شده باشد، بلکه انسان به عنوان خلیفه‌الله در زمین قرار داده شده است. چنان که خداوند سبحان در خطاب به فرشتگان می‌فرماید: إِنَّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً (بداشتی ۱۳۹۸ به نقل از شرح چهل حدیث، ۱۳۷۸)

بنابراین ارزشهای اخلاقی و عقلی، مبانی و هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی امام(ره) را در مورد صلح و حقوق بشر شکل می‌دهند. (جلیلیان ۱۳۹۷) در واقع، امام خمینی(ره) با نگاهی جامع بر مبنای نگاه انسان‌شناسانه، فقهی، فلسفی و کلامی به مفهوم صلح می‌پردازد که در آن مفاهیم صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اولویت سیره عملی ایشان قرار می‌گیرد. با بررسی سیره عملی سیاسی ایشان نیز این پابندی به وضوح نمایان است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مقوله صلح و حقوق بشر را می‌توان در این راستا ارزیابی نمود. یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی دولت اسلامی در مواجهه با سایر کشورها در مورد مبانی و چگونگی، تکیه بر منابع عقلی و نقلی است. با توجه به اینکه امام خمینی (ره)، دارای اندیشه سیاسی مبتنی بر اسلام بوده‌اند؛ لذا با توجه به مبانی خاص اسلام از جمله کتاب و سنت به بیان مبانی و اصول فقهی بر اساس مبانی ذکر شده پرداخته است. (جلیلیان ۱۳۹۷)



حقوق بشر یکی از مسائل اساسی و با اهمیت جهان معاصر است و آنچه امروزه به عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر و یک سند مهم بین‌المللی است، حاصل آرای فلاسفه غربی پس از رنسانس و همچنین حاصل فکر کسانی است که در پی برقراری صلح جهانی و پایدار پس از دو جنگ جهانی بوده‌اند. اینان در حقیقت با ریشه‌یابی علل جنگ‌های بشری به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم خواسته‌اند بنیان‌های نظری صلح را طی این اعلامیه پی‌ریزی می‌کنند و آن را براساس انسان‌شناسی مورد نظر خود که اومانیزم است قرار دادند. اما صلح و حقوق بشر در آموزه‌های انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلام و رویکرد توحیدی است و ارزش‌های مربوطه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز متبلور شده است. این ارزش‌ها، مدافع کرامت انسانی است. اسلام هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد و هم به آن عمل می‌کند. حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی (ره) با حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای تشابهات و تفاوت‌هایی است. تفاوت‌ها عمدتاً به نقش دین اسلام در زندگی انسان و نوع نگرش به انسان و همچنین استفاده ابزاری از حقوق بشر و سیاسی نمودن آن به عنوان اهرمی برای فشار بر کشورها مربوط می‌شود. حقوق بشر مورد نظر اسلام و امام خمینی جامع‌الاطراف‌تر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است (پژوهشکده ۱۳۹۹)

تا امروز اتحاد نظری در خصوص تعریف حقوق بشر و صلح ایجاد نشده است. از ابتدا، دو دیدگاه توحیدمحور و انسان‌محور در مقوله صلح و حقوق بشر وجود داشته است. البته، این دو دیدگاه، هر یک، دستاوردهای مهمی را نیز به ارمغان آورده است. (نعناکار ۱۳۹۲) بدیهی است ایجاد یک حکومت در گستره مرزهای جغرافیایی بدون شناخت، تأیید و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی امری ناممکن است، حال این شناخت خود به دو صورت متصور است، نخست شناخت و تعریف حقوق بشر انسان‌مدار به گونه‌ای که بخشی از حقوقی که به عنوان حقوق بشر نگاشته می‌شود



در واقع در جهت خلاف حقوق واقعی بشر باشد دوم، تعریف حقوق بشر بر اساس معرفت دینی و مبانی شرع مقدس که روشن و غیرقابل تغییر است و دارای تضمین اجرای شرعی بوده و حاکمان و دولت مردان جامعه اسلامی به هیچ صورت توانایی تغییر آنرا جهت رسیدن به امیال خود ندارند. (نعناکار ۱۳۹۲)

امام خمینی (ره) با عنایت به شناخت جهان پیرامون خود و با تسلطی که بر شرع مقدس داشت توانست حاکمیتی را بنیان‌گذاری نماید که اصل و دغدغه آن حقوق بشر و حفظ متانت و کرامت انسانی است. البته این حقوق بشر، نه انسان‌محور بلکه خدامحور و در راستای سعادت واقعی بشر است. با این رویکرد، بسیار طبیعی و مسلم است که امام خمینی (ره) به عنوان معمار و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی از اصالت صلح در مبانی دینی دفاع کنند زیرا دستیابی به صلح و زندگی در صلح و آرامش نیز از حقوق بشر است. لذا ایشان به قاعده صلح در فقه شیعه اشاره می‌کند که طبق آن اصل بر «صلح» است و «جنگ» یک استثناء به شمار می‌رود. امام خمینی (ره) معتقد است حکومت و دستگاهی می‌تواند ادعای حمایت، حفاظت و حضانت از حقوق بشر را داشته باشد که خود را در پیشگاه خداوند متعال مسئول و پاسخگو بداند، لذا ابداً تعاریف حقوق بشر انسانی را مشروع و قانونی نمی‌داند حتی اگر مطابق برخی از نظرات الهی باشد زیرا اصل و اساس آن در ابتدای تدوین غیرالهی و ناپاک بوده است حتی اگر هدف چنین تفکری در ظاهر سالم و درست باشد اما قابلیت اجرا را نخواهد داشت. (نعناکار ۱۳۹۲)

امام خمینی (ره) در جایی می‌گوید تا دنیا به این آرامش‌طلبان و (این) صلح دوستان و (این) طرفداران حقوق بشر مبتلا است، روی امنیت و صلح و آرامش نخواهد دید و آنچه آرزوی بشر است، محقق نخواهد یافت بلکه تنها بشر به برکت مکتب‌های توحیدی و مومنان واقعی آنهاست که به آزادی و سعادت خواهد رسید.

(خمینی، صحیفه ج ۱۷: ۳۰۶-۳۰۷)



امام خمینی (ره) معتقد است احکام اسلام یک نظام کلی اجتماعی می‌سازد و تمام امورات بشر را از امور خصوصی تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی را پوشش می‌دهد. (خمینی، ولایت فقیه ۱۳۸۸: ۲۹)

با توجه به این بنیانهای قوی حمایت از صلح در اسلام، امام خمینی دلیل رشد و غلبه نگاه‌های جنگ‌طلبانه و افراطی در جهان اسلام را دوری از درک درست آموزه‌های انسان‌شناسانه قرآن و مهجوریت قرآن در بین مسلمانان میدانند. درواقع، امام خمینی ریشه جنگ و خشونت و افراط‌گری در جهان اسلام را دوری از فطرت الهی انسان و غلبه غرایز بر فطرت آدمی و دوری از آموزه‌های قرآنی میدانند و راه فائق آمدن بر این بحران را نیز بازگشت بشر به آموزه‌های اصیل انبیا یعنی بازگشت به فطرت الهی و غلبه لشکر عقل بر لشکر جهل در وجود آدمی ذکر میکنند. در دیدگاه امام خمینی (ره) نمیتوان سرشت انسان را صرفاً خوب یا بد دانست زیرا انسان هم دارای فطرت و هم غریزه است. اگر به سمت فطرت برود به صلح و اگر به سمت غریزه برود به جنگ کشانده می‌شود. پس انسان هم به صلح گرایش دارد و هم به جنگ و در این نقطه است که امام ارسال پیامبران را کنترل غرایز آدمی میدانند. (جلیلیان ۱۳۹۷)

ایشان با نگاهی انسان‌شناسانه، ریشه جنگ و خشونت را غلبه غرایز و قوای غضبیه و شهویه انسانها و دوری آنها از فطرت اصیلشان و دورشدن انسان از سلطه عقل میدانند و معتقد هستند که انسان در وضع طبیعی به دلیل گرایش به طبیعت و غلبه غرایز، خواستار تسلط بر دیگران بوده و همین امر نیز موجب بروز اختلاف بین بشر شده است. (جلیلیان ۱۳۹۷)

اما علاوه بر این نگاه انسان‌شناسانه به صلح، حضرت امام (ره) معتقد به قوانین



الهی و جامعه ای سیاسی مبتنی بر آن قوانین در راستای تحقق صلحی پایدار بین بشر بودند. صلحی که مبتنی بر شناخت نیازهای واقعی بشر و قانونگذاری بر اساس آن نیازها باشد و قانونی که این توانایی را دارا باشد که همه ابعاد وجودی انسان را بشناسد و بتواند براساس این شناخت درست، انسانها را تربیت کرده و با قانونگذاری مناسب و جامع آنها را به سوی شکوفایی نیازهای فطری آنها و دوری از اختلاف به پیش ببرد. لذا خداوند به دلیل داشتن شناخت کامل از نیازهای بشر، پیامبران را ارسال کرد تا در بین مردم حکمرانی کنند و دولت و نظام سیاسی تشکیل دهند و قانون الهی را در بین آنان حاکم کنند. (جلیلیان ۱۳۹۷)

سخنان امام در طول نهضت اسلامی همواره سرشار از آزادی، حمایت از حقوق بشر و کرامت انسانی بوده و این مسئله با نگاه به رهنمودهای حضرت امام(ره)، حتی تا ماه‌های پایانی عمر پربرکت ایشان قابل مشاهده است. (هریسی ۱۳۹۶)

از نظر امام خمینی(ره) مفاهیمی از این دست که در نظام‌های سیاسی جهان معاصر رایج است، در حکومت اسلامی نیز وجود دارد و در آن حاکم و جاری است. این مفاهیم از نظر کمی در نظام اسلامی به طوری تنقیح شده که در ابعاد وسیع به صورت منطقی و گسترده‌تری مطرح است و از نظر کیفی نیز انسانی‌تر و سالم‌تر است. از جهتی حقیقی و واقعی است و ادعایی نیست. واقعی بودنش بر این اساس است که امر خداست و واجب است از سوی انسان‌ها رعایت شود، اما در سایر حکومت‌ها مسئله واجب بودن از جانب خداوند... مطرح نیست؛ شاید حرفی زده شود اما طور دیگری عمل می‌شود، این در حالی است که در روایات اسلامی آمده است که پست‌ترین و نادم‌ترین انسان‌ها در قیامت کسانی هستند که شعار عدالت و آزادی و دفاع از حقوق مردم بدهند اما ضد آن عمل کنند. بنابراین آنچه در اسلام به عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود صادق و دارای ضمانت اجرایی الهی است. (هریسی

(۱۳۹۶)



امام خمینی موضوع حقوق اقلیت‌ها، زنان و حقوق شهروندان را به صورت برجسته‌ای مطرح کردند و رأی مردم را اساس و میزان قرار دادند و پیوسته حاکمان و مسئولان را سفارش می‌کردند و بر حقوق و رضایتمندی مردم تأکید داشتند و در موضوعات مختلف منشورها و فرمان‌هایی صادر می‌کردند. این مسئله نشان می‌دهد که حضرت امام (ره) نسبت به مسئله حقوق بشر، یعنی حقوق مردم و حقوق ملت دغدغه فراوان داشتند. (هریسی ۱۳۹۶)

روش‌شناسی و معرفت‌شناسی امام خمینی نیز مبتنی بر عقل و نقل بود. امام خمینی برای شناخت مادی، حس و برای شناخت جنبه معنوی و الهی، عقل را لازم می‌دانست. بنابراین ایشان معیار شناخت در جهان‌بینی الهی را مشتمل بر حس و عقل می‌دانست. البته امام خمینی شناخت حسی را نیز به شناخت عقلی متکی می‌دانست. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱-۲۲۵) در کنار این شناخت، شناخت نقلی از طریق قرآن و سنت که آن نیز معتبر به تأیید عقل می‌باشد و شناخت شهودی نیز که آن هم معتبر به تأیید عقل می‌باشد، از سوی حضرت امام مطرح است. با این وجود، تمام این شناخت‌ها معتبر به تأیید عقل است.

عناصر نظریه فقهی امام خمینی در مورد صلح و حقوق بشر

دستیابی به کرامت و منزلت انسانی هدف حقوق بشر

از نظر امام خمینی (ره) سیاست پیشگان دنیای امروز مفاهیم و ارزش‌های مقدس بشری را به صورت ابزارهای سیاست و منفعت خویش درآورده و ملت‌های در بند کشیده شده را از دستیابی به حقیقت اصول کرامت و منزلت انسانی باز داشته‌اند. از نظر ایشان حامیان دروغین بشر، حقوق‌بشر را نادیده انگاشته‌اند و به نام صلح جهانی از هیچ گونه ستم و سکوت در برابر بیداد تجاوز پیشگان دریغ نمی‌ورزند و



مدافعان ستم دیدگان را به آشوب و شرارت متهم می‌سازند. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۷: ۳۰۶ - ۳۰۷) در واقع، حقوق بشر، به ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ، حداقل نسبت به مردمان دیگر غیر از مردم خود، برای سوء استفاده سیاسی و فشار بر دولت‌ها و ملت‌هایی که در جهت منافع و اهداف آنها عمل نمی‌کنند، تبدیل شده است. همچنین برخی از حقوق مطرح شده در ذیل حقوق بشر نیز در تضاد با کرامت و منزلت انسانی است که هدف اصلی حقوق بشر است و قدرت‌ها با طرح این حقوق، در جهت پیشبرد اهداف مبتنی بر لذت، هوی و هوس و اصالت لذت هستند. در حالی که برخی از این به اصطلاح حقوق، حقوق گروه‌ها و افراد دیگری را نقض می‌کند.

در تضاد بودن ستم و سکوت در برابر بیداد تجاوز پیشگان با حقوق بشر و صلح

از نظر ایشان حامیان دروغین بشر، حقوق بشر را نادیده انگاشته‌اند و به نام صلح جهانی از هیچگونه ستم و سکوت در برابر بیداد تجاوز پیشگان دریغ نمی‌ورزند و مدافعان ستم دیدگان را به آشوب و شرارت متهم می‌سازند. امام می‌گفت تا دنیا به این آرامش طلبان و صلح دوستان و طرفداران حقوق بشر مبتلا است روی امنیت و صلح و آرامش نخواهد دید و آنچه آرزوی بشر است تحقق نخواهد یافت. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۷: ۳۰۶ - ۳۰۷) قدرت‌های استکباری از حقوق بشر به عنوان پوششی برای تحمیل اهداف خود بر دیگران و ستم استفاده می‌کنند. چنین رویکردی در تناقض با عدالت و صلح و حقوق واقعی بشر است و هیچ کمکی به ارتقای حقوق بشر در جهان نمی‌کند.



حب دنیا ریشه ناصالحی و نقض حقوق بشر

امام خمینی می‌فرمود انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند و ریشه چپاول ملت‌ها و کشت و کشتار آنان را نیز به حب دنیا بر می‌گردانند. (خمینی مجموعه آثار، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس: ۲۴-۳۰)

از این رو می‌توان گفت که نگاه حضرت امام (ره) به سیاست یک نگاه اخلاقی است و این مبانی اخلاقی مورد نظر ایشان در سیاست، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست خارجی نیز جلوه‌گر بوده است و نهادهای مرتبط با امور دیپلماتیک کشور نیز موظف به مراعات امور اخلاقی و ترویج آن شدند.

براساس مبانی اخلاقی، سیاست خارجی امام خمینی (ره) بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، عدم تجاوز به خاک کشورها، حسن همجواری با همسایگان و تقویت همکاری با دولتها بر مبنای احترام متقابل (جلیلیان ۱۳۹۷) و رعایت حقوق واقعی بشر قرار داشته است.

بر این اساس ریشه بسیاری از جنگ‌ها در تسلط قوه غضبیه بر قوه عاقله انسان می‌باشد. به گفته ایشان هر چند قوه غضبیه یکی از نعمت‌های الهی برای بشر است که به واسطه آن بقای شخصی و نوعی و نظام اجتماعی را محافظت می‌کند، اما اگر این قوه زیر نظر عقل و دین باشد موجب رشد انسان و شجاعت او می‌شود ولی اگر از حد توان بگذرد مفسد زیادی بر او مترتب می‌شود و می‌توان ایمان را نابود کند و جهان را به آتش بکشد. (فوزی ۱۳۹۶: ۱۴ به نقل از امام خمینی ۱۳۹۳: ۵۳)

بنابراین بی‌اخلاقی و حب دنیا، موجب نادیده انگاشتن حقوق دیگران و صلح عادلانه و تضییع حقوق ملت‌ها می‌شود.



انقراض مستکبرین عامل برقراری صلح و حقوق بشر واقعی

از دیدگاه امام خمینی استقرار صلح واقعی در جهان با وجود قدرت‌های سلطه‌گر مستکبر و پذیرش موجودیت و سلطه آنان خیالی خام بیش تلقی نمی‌شد و سلامت و صلح جهان را بسته به انقراض مستکبرین می‌دانست. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۲: ۱۴۴) مستکبرین مانع احقاق حق و برقراری حق و عدالت در جهان و جامعه می‌شوند. مستکبرین با رویکرد استکباری و ناعادلانه خود، صلح را در جهان به خطر می‌اندازند و حقوق ملت‌ها را نقض می‌کنند و گرچه ممکن است به صورت مقطعی، با زور و ایجاد ترس، صلح یا آتش بس ظاهری برقرار کنند ولی هیچگاه، صلح واقعی در جهان برقرار نمی‌شود.

قاعده اصالت صلح و حقوق بشر

نگاه گروه‌های تکفیری جهادی به بحث جهاد و اصالت دادن به جنگ به این بهانه، نگاهی غلوآمیز و غیرواقعی از مفهوم جهاد است. تفسیر آیات جهاد در قرآن، موید آن است که جهاد، معنای بسیار وسیع‌تری از امور نظامی دارد و در واقع هر نوع تلاش و کوشش در راه خدا را در بر می‌گیرد و انواع مختلفی همچون جهاد اکبر (جهاد با نفس)، جهاد اصغر و جهاد کبیر را در بر می‌گیرد. جهاد اصغر، مصداق نظامی دارد در حالی که جهاد اکبر که اهمیت بیشتری دارد متعلق به مبارزه با نفس و تقویت ارزش‌های الهی در وجود افراد و تقویت تقوا است. امام خمینی، سازندگی کشور، مبارزه با فقر و بی‌سوادی و ... را نوعی جهاد دانست و جهاد سازندگی را بعد از انقلاب سامان داد. او معتقد بود که بسیاری از آیات مربوط به جهاد نظامی، اختصاص به جهاد دفاعی دارد و این آیات به منظور دفاع از مسلمانان در مقابل تجاوز دیگران نازل شده است و شامل مواردی است که دشمن یا به مسلمانان حمله



کرده و یا اقداماتی را برای ناامن کردن جوامع مسلمانان دنبال می‌کند و یا مسلمانان را از سرزمین خود بیرون رانده و به ظلم و استثمار علیه آنان ادامه می‌دهد. در این شرایط، قرآن از مسلمانان می‌خواهد همانطور که آنان علیه مسلمانان اقدام کرده‌اند، به ستیز با دشمنان برخیزند و از هویت و حیثیت خویش دفاع کنند و یا هنگامی که انجام حمله دشمن در آینده قطعی است مسلمانان جهت پیشگیری از آغاز حمله دشمن، تشویق به حمله پیشگیرانه به دشمن شده‌اند (فوزی ۲۲ و ۲۳)

حتی اگر جهاد ابتدایی در اسلام نیز فرض شده باشد، این جهاد دارای قیود فراوانی است مثلاً شیعیان جهاد ابتدایی را موکل به حضور امام معصوم می‌دانند و برخی از علمای اهل سنت نیز با توجه به این نکته که شرک در عصر جاهلی ملازم با شرور و فتنه های اجتماعی بوده است، جهاد ابتدایی را مربوط به دوران صدر اسلام دانسته و تعمیم آن را به دوران معاصر نابجا می‌دانند (فوزی ۲۳ به نقل از امام خمینی ۱۴۰۱، ۹۸)

علاوه بر جهاد دفاعی (برای رفع تجاوز) در چند مورد دیگر همچون جهاد برای حمایت از مظلوم (و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین)، جهاد برای رفع موانع رسیدن صدای دعوت اسلام به توده‌های مردم و برای دعوت دیگران به اسلام (و نه اجبار به پذیرش اسلام)، نیز جهاد بر مسلمانان واجب شده است اما مصادیق هر یک از آنها نیازمند مباحث کارشناسی و اهم و مهم‌های بسیاری است (فوزی ۲۳)

بر این اساس، از نظر امام خمینی انحصار استفاده از واژه جهاد برای جنگ علیه دیگران نابجا است و روح جهاد مبتنی بر تلاش همه جانبه مسلمانان برای پیشبرد امور جامعه و رشد و ارتقای معنوی، حقوق بشر و دفاع از امنیت و حیثیت آنان در مقابل دشمنان است و در واقع، جهاد ابزاری برای ایجاد امنیت و پیشرفت و ارتقای معنوی در جامعه اسلامی و تقویت صلح و همزیستی و حقوق بشر به حساب می‌آید.



قاعده دعوت

دعوت به معنای درخواست مسلمانان از افراد غیر مسلمان برای پذیرش اسلام می‌باشد که به طرق مختلف اعم از گفتاری، نوشتاری و رفتاری انجام می‌شود. مستندات این اصل، آیات ۱۲۵ نحل و ۱۵ شوری و ۳۳ فصلت است که از مسلمانان خواسته‌اند دیگران را به دین و به عبارتی حقوق اصلی بشر دعوت کنند. روایات متعددی در این مورد وجود دارد و سیره پیامبر(ص) و دلایل عقلی نیز ضرورت اصل دعوت را اثبات می‌کنند. قاعده دعوت، بر مسئله جهاد که از مهمترین فروع دین اسلام است، حاکم می‌باشد و بسیاری از فقها به دلیل قاعده دعوت و رساندن ندای اسلام به گوش جهانیان، اصل را بر دعوت می‌دانند و معتقدند که در جوامع و شرایط جدید، حاکمان مسلمان با کمک اصل دعوت و با تبلیغات دامن‌دار جهانی، می‌توان منطق اسلام را به درون خانه‌ها برد. اصالت در اسلام بر دعوت است و دعوت در واقع معرف عمومیت حقوق بشر است. در عصر حاضر و با توجه به تسلط فرهنگ قبول حقوق بشر بر کشورها و تلقی به قبول تمام ملل جهان نسبت به مرزهای جغرافیایی، مصلحت مسلمین چیزی جز دعوت از طریق بیان و قلم و ... نیست. (فوزی ۲۴ به نقل از قاضی‌زاده ۱۳۸۵: ۵۵) چیزی که خود از آموزه‌های حقوق بشر است.

اصل دعوت، را باید در ارتباط با صلح و حقوق بشر در نظر گرفت. دعوت در جهت فراخواندن به رعایت حقوق واقعی بشر و احترام به کرامت انسانی است و کسانی که این حقوق را در نظر نمی‌گیرند و یا نقض می‌کنند، دعوت به التزام به رعایت کرامت انسانی و تأمین سعادت بشری می‌کند. دعوت در جهت صلح و برای برقراری صلح و آرامش در جهان است.



عدالت نقطه مرکزی حقوق بشر و صلح

امام، رویه اسلام را اقامه عدل بین مردم و نجات دادن مظلومین از دست ظالمان معرفی می‌کند. (خمینی مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۷: ۵۲۸) امام خمینی عدل اسلامی را اینگونه معنا میکند که همه حکومت‌هایی که در دنیا هستند، روی موازین اسلامی حکومت بکنند و معتقد است این مسئله زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که آن عدل بزرگ اسلامی در روی زمین توسعه پیدا می‌کند. در آن وقت همه حکومت‌ها بر روی کره زمین، حکومت عدل می‌شوند. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۰: ۲۰۶) امام خمینی معنای عدالت اجتماعی در حکومت اسلامی را حمایت از محرومین و مستضعفین می‌داند و عدول از این مسئله را عدول از عدالت اجتماعی می‌داند. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۹-۱۰۰)

دیدگاه امام خمینی مادامی که عدالت جهانی برقرار نگردد، سخن راندن از صلح پایدار جهانی سخنی به گزاف است. (پرتال ۱۳۹۶) در نگاه امام، برقراری صلح جهانی پایدار مستلزم استقرار عدالت جهانی است و برقراری عدالت جهانی پیش‌شرطی برای برقراری صلح جهانی می‌باشد. از آنجایی که قدرتمندان و دولتهای غربی به هیچ قیمتی حاضر به کوتاه آمدن از منافع خود برای برقراری عدالت نیستند، بنابراین تقابل با آنها برای رسیدن به صلح جهانی و پایدار اجتناب ناپذیر خواهد بود. (پرتال ۱۳۹۶)

امام خمینی برقراری روابط عادلانه با دیگران را منوط به استقرار عدالت در مناسبات جهانی دانسته و با اشاره به تغییر تعادل در روابط جهانی با انقلاب اسلامی و در نتیجه وقوع جنگ می‌فرمایند ما امیدواریم که تعادل دنیا به خطر نیفتد؛ برای اینکه ما به هیچ طرفی از دو طرف شرق و غرب تمایلی نداریم و ما با همه روابطی علی السواء داریم و با همه رفتاری عادلانه داریم، البته در صورتی که آنها عدالت را در رابطه با ما رعایت کنند. (امام خمینی صحیفه امام؛ ج ۵: ۴۱۸)



امام بر طبق آموزه‌های قرآنی و اسلامی بارها بر محوری بودن عدالت در استقرار صلح تاکید نموده و در رعایت حقوق بشر نیز عدالت را کانون همه حقوق بشر و حمایت از مردم بویژه مردم محروم و نیازمند که معمولاً حامی ندارند، معرفی میکند.

نفی ترور به عنوان عامل تضعیف صلح و تجاوز به حقوق بشر

از دیدگاه امام خمینی، اسلام با ترور و تروریست ناسازگار است و آن را مردود می‌داند و مسلمان حقیقی نمی‌تواند مصداق تروریست قرار بگیرد؛ زیرا اسلام با اعمال ددمنشانه و ارتکاب اعمال جنایتکارانه تروریستی مخالف است (زکی ۱۳۹۷) و در واقع این امر خلاف عدالت و صلح عادلانه است. حضرت امام صریح و قاطع فرموده است ملت ما مسلم است و مسلم تروریست نیست (خمینی، صحیفه ج ۱۱: ۷۷)

از دیدگاه امام خمینی (ره) ترور عبارت است از اعمال جنایتکارانه و مجرمانه‌ای نظیر قتل، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، هواپیماربایی، حمله به اماکن عمومی، آتش سوزی، کشتن افراد بی گناه، تهدید، ایجاد فتنه و غائله و نظایر آن که با غرض ایجاد رعب و خوف و اختناق، برای رسیدن به اهداف شیطانی و استکباری با توسل به زور و خشونت و بر اساس طرح و برنامه و به شیوه انفرادی، گروهی و یا دولتی انجام گیرد و تروریست کسی و یا کسانی هستند که مرتکب چنین عمل جنایتکارانه می‌شوند و یا طراح و حامی اصلی آن هستند. (زکی ۱۳۹۷)

وحدت انسانی ضامن صلح و رعایت حقوق بشر

امام خمینی در همین راستا، وحدت را امر معروفی می‌داند که موجب صلح و آرامش در دنیا می‌شود و باید برای تحقق شرایط صلح، آیین وحدت و اخوت را



ایجاد نمود و آن را مستحکمتر کرد. امام فرمود ما دنبال این هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد. اسلام از اول دارای یک همچون مقصدی بوده و خصوصاً در بین مؤمنین، در بین مسلمین، اخوت را سفارش فرموده است (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۶: ۴۰۵) که خود یکی از شعارهای مهم و اساسی حقوق بشر است.

از نظر امام لازمه صلح و صفای جهانی زیست مسالمت آمیز با همه کشورهای عالم است و فرمودند دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت آمیز با همه کشورهای عالم است. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۷: ۴۸۳) ایشان در جای دیگر فرمودند روابط ما با تمام خارجی‌ها بر اساس اصل احترام متقابل خواهد بود. در این رابطه، نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۴: ۲۴۸) این اتحاد انسانی، در واقع همان همزیستی مسالمت آمیز و همراه با احترام متقابل است که یکی از اصول شناخته شده در ارتباط با صلح جهانی و ارتقاء و حمایت از حقوق بشر است.

اصل مقاومت ارزشی و عزتمدارانه به عنوان عامل ارتقاء صلح و حقوق بشر

امام خمینی (ره) میگوید جمهوری اسلامی مایل است با همه همجواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند و از دولتهای اسلامی اگر مورد تهاجم واقع شوند پشتیبانی می‌کند، لکن در مقابل کج رفتاریها و ستمگریها و اسلام شکنیها با قامت بلند ایستاده است و از هیچ قدرتی باک ندارد. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۷: ۳۹۶)

امام خمینی (ره) می‌فرمود اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی اینها گردد. امری که در تناقض با حقوق بشر



است. در این صورت، از نظر ایشان برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی این چنانی هر چند بوسیله مبارزه منفی باشد. (شکوری ۱۳۶۱ ج ۲: ۴۰۰ به نقل از تحریر الوسیله ج ۱: ۴۸۵ مسئله ۴ و ۵ و ۶) امام خمینی (ره) عدول از سیاست نه شرقی و نه غربی را خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران می‌دانست. (مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۱۵۵)

بنابر این مقاومت مبتنی بر ارزش‌ها و عزت، نه تنها موجب تضعیف صلح نمی‌شود بلکه گامی مهم و حیاتی در جهت استقرار صلح است. چنین مقاومتی، موجب ارتقاء حقوق بشر و کرامت انسانی نیز می‌گردد.

عزت‌مداری و استقلال‌محوری و نقش آن در ارتقاء صلح و حقوق بشر بویژه حق عدم مداخله در حق تعیین سرنوشت

امام خمینی (ره) در جایی فرمودند امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملتها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۱۲: ۱۵۳) ایشان در جای دیگر فرمودند روابط ما با تمام خارجیها بر اساس اصل احترام متقابل خواهد بود. در این رابطه، نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۴: ۲۴۸)

امام خمینی (ره) بر این اعتقاد است که حکومت اسلامی، حکومتی است آزاد و مستقل و روابطش با شرق و غرب به یک نحو است و اگر آنها روابط حسنه داشته باشند دولت اسلام هم با آنها روابط حسنه دارد؛ و اجازه نمی‌دهیم کسی در مقدرات مملکت‌مان دخالت کند. (امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۵: ۴۱۹)



چنین عزت‌مداری و استقلال‌محوری در حفظ صلح و انعقاد صلح، موجب ارتقاء صلح می‌شود و به تبع آن به حمایت و ارتقاء حقوق‌بشر نیز کمک می‌نماید. صلح تحمیلی، صلح واقعی نیست و آتشی زیر خاکستر و زمینه‌ای برای جنگ‌ها و خشونت‌های بیشتر و ناامنی و نقض حقوق‌بشر ملت‌ها است.

نتیجه‌گیری

بررسی آراء و اندیشه‌های امام خمینی، به ما در استخراج نگاه فقهی امام به مقوله حقوق‌بشر و صلح و نقاط و عناصر مشترک در هر دو مفهوم کمک کرد. بر این اساس، ابتدا نگاه هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه حضرت امام تبیین گردید که متشکل از آموزه‌های خدامحورانه و از خدا بودن و به خدا بازگشت بوده و اینکه انسان دارای غریزه و فطرت بوده و بسته به کاربست هر یک از آنها می‌تواند خروجی متفاوتی را در عالم هستی به نمایش بگذارد و عقل به عنوان معتبرترین مرجعی است که در پرتو آموزه‌های وحی می‌تواند انسان را به یافتن راه و مسیر صحیح کمک نماید.

بر این مبنا، تلاش شد تا نگاه فقهی امام خمینی به مقوله حقوق‌بشر و صلح و عناصر آن استخراج گردد. بعد از بررسی‌ها مشخص گردید که این عناصر را می‌توان در تبیین نظریه فقهی امام خمینی نسبت به مقوله حقوق‌بشر و صلح استخراج کرد که در هر دو مشترک می‌باشد:

۱- دستیابی به کرامت و منزلت انسانی هدف حقوق‌بشر

۲- در تضاد بودن ستم و سکوت در برابر بیداد تجاوز پیشگان با حقوق‌بشر و صلح

۳- حب دنیا ریشه ناصلحی و نقض حقوق‌بشر

۴- انقراض مستکبرین عامل برقراری صلح و حقوق‌بشر واقعی



- ۵- قاعده اصالت صلح و حقوق بشر
 - ۶- قاعده دعوت و نقش آن در ارتقاء صلح و حقوق بشر
 - ۷- عدالت نقطه مرکزی حقوق بشر و صلح
 - ۸- نفی ترور به عنوان عامل تضعیف صلح و تجاوز به حقوق بشر
 - ۹- وحدت انسانی ضامن صلح و رعایت حقوق بشر
 - ۱۰- مقاومت ارزشی و عزت مدارانه و نقش آن در ارتقاء صلح و حقوق بشر
 - ۱۱- عزت محوری و استقلال محوری و نقش آن در ارتقاء صلح و حقوق بشر بویژه حق عدم مداخله در حق تعیین سرنوشت
- این عناصر و اصول یازده گانه را میتوان به عنوان اصول مشترک مورد نظر امام در جهت حفظ و حمایت از صلح و حقوق بشر و ارتقاء این دو مفهوم در نظر گرفت. چنین عناصری میتوانند محورها و پایه های نظریه فقهی و گفتمان سیاسی- فقهی صلح و حقوق بشر از نظر امام خمینی را به تصویر بکشد.



از دیدگاه امام خمینی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، چکیده پایان نامه، قابل دسترسی در آدرس <http://www.khomeini-ri.ac.ir/thesis/dynamic/fa/ir.ac.khomeini-ri.www/298/id/single>، تاریخ بازدید ۱۷ آبان ۱۳۹۹

۵- جلیلیان، سجاد، ۱۳۹۷، جایگاه صلح در اندیشه سیاسی امام خمینی و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سایت مجمع صلح اسلامی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.iwpeace.com/articles/36812/com>، تاریخ بازدید ۱۷ آبان ۱۳۹۹

۶- خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، تحریر الوسيلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ش- ۱۴۲۶ ق، چاپ دوم.

۷- خمینی، روح الله، ۱۳۸۸ ش، تفسیر سوره حمد، موضوع: تفسیری، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.

۸- خمینی، روح الله، ۱۳۸۵ ش، المکاسب المحرمة، (۲ جلد) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.

۹- خمینی، روح الله، ۱۳۸۸ ش، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تعداد جلد: ۱، تهران، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، نوبت چاپ: بیستم.

۱۰- خمینی، روح الله، ۱۳۸۸ ش، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، موضوع: اخلاقی، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نوبت چاپ: چهارم

۱۱- خمینی، روح الله، ۱۳۸۷ ش، شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید)، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نوبت چاپ دوازدهم.

۱۲- خمینی، روح الله، ۱۳۸۷ ش، جهاد اکبر، موضوع: اخلاقی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هیجدهم.

۱۳- خمینی، روح الله، ۱۳۹۳، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،



- ۱۴- خمینی، روح الله، ت ۱۴۰۱، تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان، جلد ۲
- ۱۵- خمینی، روح الله، صحیفه امام (۲۱ جلد)، موضوع: مجموعه سخنرانی و...، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
- ۱۶- خمینی، روح الله، لوح فشرده حاوی مجموعه آثار، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- ۱۷- خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۷ش، توضیح المسائل حضرت امام خمینی، موضوع: فقهی، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
- ۱۸- خمینی، سید روح الله، استفتاءات، تعداد جلد: ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مجموعه آثار امام خمینی،
- ۱۹- زکی، حمید، ۱۳۹۷، دفاع مشروع، بررسی فقهی مسئله ترور از دیدگاه امام خمینی، بخش‌هایی از کتاب با عنوان مفهوم و مصداق تروریسم در اسناد و معاهدات بین‌المللی و دیدگاه امام خمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۹۷، درج شده در سایت پرتال امام خمینی
- ۲۰- سیدباقری، سید کاظم، ۱۳۸۸، فقه سیاسی شیعه، ساز و کارهای تحول در دوران معاصر، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۱- شکوری، ابوالفضل، ۱۳۶۱، فقه سیاسی اسلام (دو جلدی)، نشر حر و شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام: اصول سیاست داخلی اسلام، ج ۱، تهران: کیهانک.
- ۲۲- صحیفه امام، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- ۲۳- فوزی، یحیی، ۱۳۹۶، بنیان‌های صلح و همزیستی در اندیشه اسلامی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی، اندیشه سیاسی در اسلام، بهار ۱۳۹۶، شماره ۱۱، قابل دسترسی در آدرس <http://ir.ensani.ir/article/download/file/pdf.۵۶-۹۹۹۴-۲۰۱۷۱۲۳۱۱۵۵۱۱۶>.
- ۲۴- قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۸۵، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۴

